



دوشنبه 28 مهر 1393- 25 ذی الحجه 1435 - 20 اکتبر 2014

رحلت فقیه، محدث، مفسر و اصولی شیعه آیت‌الله «جعفر نزاری نقدی» (1329ش)...

* 28 مهر درگذر تاریخ

* رحلت فقیه، محدث، مفسر و اصولی شیعه آیت‌الله «جعفر نزاری نقدی» (1329ش) اشاره:

آیت‌الله شیخ جعفر نزاری نقدی در سال 1265ش (1303ق) به دنیا آمد و از خردسالی، شوق فطری طبیعی به علم و ادب و تحصیل کمالات داشت. از این‌رو در ابتدا اصول قرائت و خط عربی و فارسی را فرا گرفت و در چهارده سالگی برای ادامه تحصیل عازم حوزه علمیه نجف اشرف گردید. پس از تکمیل مقدمات و سطوح، در درس خارج حضرات آیات عظام: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و

شیخ احمد کاشف الغطا و دیگر استادان عصر حاضر شد و مراتب عالی علمی را پیمود.

در عین حال با اصرار جمعی از مؤمنان یکی از مناطق شیعه‌نشین جنوب عراق و به دستور استادش، علامه یزدی، جهت تبلیغ دین و نشر علوم اسلامی و حل دعاوی شرعی راهی منطقه العماره گردید. آیت‌الله نزاری پس از حدود ده سال اقامت در العماره، به عضویت دادگاه شرعی بغداد منصوب شد اما پس از مدت کوتاهی از این مقام کناره‌گیری کرد و در نجف اشرف به تألیف و تدریس و ارشاد مردم همت گماشت. از این فقیه اصولی آثار متنوعی به جای مانده که الانوار العلویه و الاسرار المرتضویه، القوانين المتطقیه و نیز حواشی بر شرایع و معالم و شرح شمسیه از آن جمله‌اند. آیت‌الله جعفر نزاری نقدی سرانجام در بیست و هشتم مهر 1329ش برابر با

هفتم محرم الحرام 1370ق در 64 سالگی در نجف اشرف درگذشت و در تاسوعای حسینی در آن شهر به خاک سپرده شد.

* یک قرارداد مهم در زمینه پتروشیمی بین ایران و ژاپن امضاء شد (1350ش)

* بازرسان شاهنشاهی گزارش دادند در معاملات اراضی عباس آباد سوء استفاده کلان شده است (1354ش) اشاره:

سوء استفاده حدود 200 میلیون ریال پیش بینی شود. بر اساس این گزارش سرلشکر نعیمی راد مدیرعامل (طرح عباس آباد) از کار برکنار و تحت تعقیب جزائی قرار گرفت.

* ایران 25 درصد سهام کروپ آلمان را خریداری کرد (1355ش)

* ساعت ها در ایران نیم ساعت به عقب کشیده شد (1356ش)

* اعتصاب کارمندان وزارت دارائی بر ضد رژیم پهلوی (1357 ش) اشاره:

در حالی که موج اعتصاب عمومی، بسیاری از نقاط کشور را فراگرفته بود، کارمندان وزارت دارائی نیز به اعتصاب کنندگان پیوستند و دست از کار کشیدند. آنان ضمن ادامه اعتصاب، اعلامیه‌ای منتشر کرده و اخراج کامل مستشاران خارجی و تحریم مبادلات بازرگانی بین ایران و رژیم صهیونیستی را خواستار شدند. در این تاریخ، دامنه اعتصاب، به حدی رسیده بود که می‌توان گفت سراسر کشور را به صورت یکپارچه و به گونه‌ای بی سابقه و کم نظیر فراگرفته بود.

* برگزاری اولین نمایشگاه مطبوعات ورزشی کشور (1373 ش) اشاره:

در چنین روزی در سال 1373ه ش نخستین نمایشگاه مطبوعات ورزشی در تهران بر گزار شد . در این نمایشگاه بزرگ بسیاری از روزنامه های ورزشی در همایشی روش و راهکارهای پوشش بهینه بهتر اخبار ورزشی را مورد بررسی قرار دادند .

* اعتراض وزارت امور خارجه ایران به دخالت آشکار آمریکا در امور داخلی ایران (1378 ش)

اشاره:

در پی دستگیری 20 نفر از جمله شانزده یهودی در ماه‌های بهمن و اسفند 1377 و محاکمه آنان به اتهام جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل در دادگاه ایران، آلبرایت، وزیر خارجه وقت آمریکا، در یک موضع‌گیری مداخله‌جویانه در امور داخلی کشورمان، محاکمه جاسوسان یهودی دستگیر شده را غیرقابل قبول خواند. وی همچنین گفت: تهران باید از حمایت تروریسم بین‌المللی، مخالفت با روند سازش خاورمیانه و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی دست بردارد. در پی این اتهامات آمریکا علیه ایران، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، این اظهارات را مردود خواند و با تقیید این گونه ادعاهای بی‌اساس، این امر را نمونه بارز دیگری از دخالت آمریکا در امور داخلی ایران خواند و اضافه کرد: اینگونه ادعاهای بی‌اساس مسئولان آمریکایی، ناشی از نگرانی دولت آمریکا از موفقیت سیاست‌های تنش‌زدایی و اعتمادسازی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است تا آن کشور نتواند با سوء استفاده از اختلافات و تشتت کشورهای منطقه از منافع تجارت تسلیحاتی منتفع گردد.

* درگذشت اسماعیل

ارحام صدراز پیشکسوتان

عرصه تئاتر (1392 ش)

اشاره:

اسماعیل ارحام‌صدر که در سال 1307 در شهر اصفهان دیده به جهان گشود از دهه سی طراحی صحنه نمایش‌های بسیاری را در اصفهان و تهران به عهده داشت که از آن جمله می‌توان به نمایش‌های اشاره کرد: «پهلوان اکبر می‌میرد» به کارگردانی (عباس جوانمرد) تهران، تالار سنگلج 1342، «بلبل سرگشته» به کارگردانی (عباس جوانمرد، علی نصیریان) تالار سارابرناردپاریس- تالار سنگلج، «لونه شغال» به کارگردانی (علی نصیریان) تهران، تالار سنگلج، «شهر طلائی» به کارگردانی (عباس جوانمرد) تهران، تالار سنگلج، مرده‌خورها، افعی طلایی» به کارگردانی (عباس جوانمرد) تهران، تالار فارابی، «محلل و مرده خور» نویسنده (صادق هدایت) به کارگردانی (عباس جوانمرد، علی نصیریان)، «آی با کلاه آی بی‌کلاه» به کارگردانی (علی نصیریان)، «بام‌ها و زیر بام‌ها» به کارگردانی (جعفر والی)، «مردی که زنده بود و خود نمی‌دانست» به کارگردانی (انتظامی)، «میرزا کمال‌الدین» به کارگردانی (دیلماقانی)، «اتللو» به کارگردانی (مصطفی اسکویی)، «خسیس مولیر» به کارگردانی (استپانیان)، «غیاث خشت مال» به کارگردانی (اصغر گرمسیری)، «معروف پینه دوز» به کارگردانی (معز دیوان فکری) و نمایش «مونتسرا و تارتوف» اجرا توسط گروه سعدی در اصفهان. در جشن طراحان صحنه و چهره‌پردازان خانه تئاتر سال 1385 از اسماعیل ارحام‌صدر، تقدیر شد در این جشن از اسماعیل ارحام‌صدر، طراح صحنه دهه‌های 20 تا 60 قدردانی شد. او پس از چند سال کار در تئاتر سپاهان به تهران می‌آید و در تئاتر فردوسی مشغول به کار می‌شود. ارحام‌صدر در این سال‌ها با گرمسیری، حالتی، فکری و استپانیان همکاری می‌کرد، بعد از آن به گروه «هنر ملی» می‌پیوندد و در طراحی صحنه «مرده خورها» و «محلل» به کارگردانی عباس جوانمرد و افعی طلایی و «بلبل سرگشته» به کارگردانی علی نصیریان همکاری می‌کند. ارحام‌صدر همچنین در دهه 40 همکاری خود را در تئاتر و سینما با کارگردانانی مانند جعفر والی (آی باکلاه و

آی بی‌کلاه - بام‌ها و زیربام‌ها) عباس جوانمرد (پهلوان اکبر می‌میرد، آلونک تئاترهای تلویزیونی و آوازهای شب و معرکه) داریوش مهرجویی (گاو- آقای هالو)، خلیل دیلمقانی (میرزا کمال‌الدین)، عزت‌الله انتظامی (مردی که مرده بود و خودش نمی‌دانست)، علی نصیریان (افول)، پرویز کاردان (سریال تلویزیونی مرد اول)، علی حاتمی (سریال هزارستان) و ... ادامه می‌دهد. جعفر والی که برای تقدیر از ارحام‌صدر، به روی صحنه رفته بود، گفت: «پس از کودتای 28 مرداد 32 تجمع بیش از 5 نفر ممنوع شده بود. ما شانس آوردیم و در خانه شاهین سرکیسیان فرصتی می‌یافتیم برای نوشیدن قهوه و گپ زدن جدی درباره تئاتر. آن زمان کسی ما را نمی‌شناخت. من، علی نصیریان، عباس جوانمرد و دیگران دور هم جمع می‌شدیم تا تئاتر کار کنیم. انجمن فرهنگی ایران و فرانسه به ما امکان تمرین و اجرا را داد. ارحام‌صدر هم در آن روزها برای ما به طور رایگان طراحی صحنه می‌کرد؛ او که آدمی حرفه‌ای بود.» سرانجام بعد از ظهر یکشنبه، 28 مهر ماه در سن 85 سالگی در بیمارستان قلب شهید رجایی در اثر ایست قلبی دار فانی را وداع گفت.

* 25 ذی الحجه درگذر تاریخ

* پذیرش خلافت توسط

امام علی(ع) پس از قتل عثمان در مدینه (35 ق)

اشاره:

پس از شورش مردم و قتل عثمان بن عفان خلیفه سوم در 18 ذی‌الحجه سال 35 ق، مردم از امام علی(ع) خواستند تا خلافت را بپذیرد. با وجود امتناع ایشان، پافشاری و اصرار مردم باعث شد تا آن حضرت، خلافت را قبول کنند. اما تلاش گسترده‌ی امام برای اجرای عدالت و حقیقت‌خواهی ایشان در دوره‌ی حکومت، باعث شد که عده‌ای از صاحبان قدرت و ثروت به مخالفت با آن حضرت بپردازند و سه جنگ جمل، صفین و نهروان را به امام، تحمیل نمایند.

امیر مومنان علی «ع» درباره تحقق حکومت خود نیز فرموده است:

أما وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَبَرَأَ التَّسْمَةَ، لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ = هان! به خدایی که دانه را شکافت، و انسان را به وجود آورد، اگر حضور حاضر، و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود، و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته

لَا يُقَارُّوا عَلَى كِبَرَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبِ مَظْلُومٍ، لَا تَقِيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، = که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند، دهنه شتر حکومت را بر وَ لَسَقِيْتُ آخِرَهَا بِكَاسِ أَوَّلِهَا، وَ لَا تَقِيْتُمْ دُنْيَاكُمْ = کوهانش می انداختم، و پایان خلافت را با پیمان خالی اولش سیراب

می کردم، آنوقت می دیدید که ارزش هَذِهِ أَزْهَدُ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزَا! = دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کمتر است! امام «ع» با سوگند خوردن به خدایی که همه چیز در ید قدرت اوست و حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن اوست، خاستگاه حکومت را تبیین می کند. اینکه خاستگاه حکومت وی تغلب و تسلط نبوده است و حکومت او بر دو خاستگاه حق استوار شده است و چنین حکومتی، هیچ نسبتی با «اماره الغلبه» یا «اماره السلطه» یا «اماره الاستیلاء» ندارد. حکومت امام «ع» بر اساس پیمانی الهی و اقبالی مردمی شکل گرفت، پیمانی الهی که ماهیت حکومت حق را مشخص

می کند و اقبالی مردمی که تحقق آن را فراهم می نماید. بنابراین حکومت خاستگاهی الهی و خاستگاهی مردمی دارد. خداوند از آگاهان و از فرهیختگان پیمان گرفته است که برای برپایی حق و عدالت برخیزند و این پیمانی فطری است، زیرا فطرت آدمی عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص است، [امام روح الله موسوی خمینی، طلب و اراده، ترجمه و شرح احمد فهری، چاپ اول، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش. ص ۱۵۲]. و عدالت دوستی و بیزاری از ستمگری از همین جا برمی خیزد. هیچ انسانی به فطرت خود راضی نیست که ستمدیده ای ستم بکشد و ستمگری ستم کند، بلکه هر انسانی به فطرت خود دوستدار عدالت و دادگری است و خواهان حکومت عدالت است و مشروعیت هر حکومت به ماهیت حق خواهانه و دادگرانه ی آن است و خداوند به چنین حکومتی مهر تأیید زده و آن را مشروعیت بخشیده است. خاستگاه دیگر حکومت خواست و تلاش در تحقق حکومت است که حکومت جز با خواست و میل و رای مردم معنای حقیقی نمی یابد. حکومت بر دو پایه استوار است: مردم تشکیل دهنده ی حکومت و شایستگان اداره کننده ی حکومت، امیر مومنان علی «ع» در این باره فرموده است: لَنَا حَقٌّ، فَانْ اعْطِينَاهُ وَ الْآرْكَبْنَا اعْجَازَ الْإِبِلِ وَ انْ طَالِ السَّرَى.

[نهی البلاغه، حکمت ۲۲]

ما را حقی است که اگر آن را به ما بدهند، بستانیم و اگر ندهند، ترک شتران سوار شویم و برانیم، هر چند شبروی به درازا کشد.

* درگذشت «ابن سراج» ادیب و شاعر بغدادی (۳۱۶ق)

اشاره:

ابوبکر محمد ابن سراج در کودکی به مجلس درس ابوالعباس مبرّد، نحوی معروف آن عصر راه یافت و با هوش‌ترین شاگرد او گردید. پس از مرگ استاد به بررسی آراء و ارزیابی نظرها و گفته‌های علمای معروف این علم پرداخت. ابن سراج در زمینه‌ی علوم قرآنی، نویسندگی و شعر نیز مهارت بسیار داشت و در فن نویسندگی و شیوه‌ی نگارش از نثری فاخر برخوردار بود. ابن سراج در کتاب الاصول فی النحو، کوشیده است تاملات نحوی را با نظم و ترتیبی خاص گردآوری کند، به گونه‌ای که می‌توان هر موضوع را در بخش معینی یافت.

* درگذشت «علامه سید ناصر حسین موسوی هندی»

فقیه اصولی و محدث (۱۳۶۱ ق)

اشاره:

سیدناصر حسین هندی ملقب به «شمس العلماء» فرزند سیدحامدحسین، از بزرگان علمای هندوستان و مفتی و مرجع اهالی آن سامان، در نوزدهم جمادی الثانی سال ۱۲۸۴ ق به دنیا آمد. وی از محضر والد معظم و سیدمحمدعباس، تحصیل مراتب علمی نمود و در تمامی فضائل و کمالات نفسانیه یگانه بود. برادر وی

«سید ذاکر حسین» نیز از علمای نامدار هند است و بر «کتاب عِبَقَات» پدر خود شرحی نوشته است. دیوانُ الحُطْب، دیوان الشعر، المَوعِظ، نَقَحَاتُ الازْهَار فی فُضَائِلِ الْاَئِمَّةِ الْاَاطْهَار(ع)

از آثار اوست. سرانجام سیدناصر حسین، این فقیه اصولی و محدث رجالی در ۷۷ سالگی بدرود حیات گفت و به لقاء الله رسید.

* نزول سوره ی دهر در شأن امام علی(ع)، حضرت زهرا(س)

و امام حسن و امام حسین(ع)

و روز خانواده

اشاره:

پس از آن که امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) برای برآوردن حاجت خویش،

سه روز روزه را نذر کرده بودند و نوبت به ادای آن رسید، در سه روز متوالی مسکین و یتیم و اسیری به در خانه‌ی آن‌ها آمد و غذایی طلب کرد. آن بزرگواران نیز غذای خود را به آن‌ها داده و خود با آب، افطار نمودند. این خانواده‌ی کریم در مقابل این

عمل، هیچ جزائی را از افراد نخواستند و اجر خود را از خدا طلبیدند. در این هنگام بود که وحی بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد و سوره‌ی دهر یا انسان در شأن امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) نازل گردید.

* درگذشت فقیه جلیل
و عالم مجاهد آیت الله «محمد
غروی کاشانی» (1398 ق)
اشاره:

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد غروی کاشانی از علما و مجتهدین مجاهد عصر ما و همکار و یار نزدیک مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی بود که در تهران سکونت داشت. او به سال 1314 هـ. ق برابر با 1275 هـ. ش در بیت علم و فقاہت دیده به جهان هستی گشود. پدرش مرحوم حاج محمد حسین نطنزی از علمای بزرگ و مراجع قرن سیزدهم هجری (حاکم شرع کاشان)، فرزند آیت الله العظمی حاج ملا احمد نطنزی (داماد فاضل نراقی) بود. وی قبل از این که به سن 9 سالگی برسد پدر خود را از دست داد و سرپرستی او را مادرش که فرزند یکی از بازرگانان سرشناس کاشان بود به عهده گرفت. آیت الله غروی تحصیلات مقدماتی و سطح را در کاشان نزد آیت الله مرحوم حاج ملا حبیب الله کاشانی و صرف و نحو را از آخوند ملا محمدحسن نحوی (متوفی 1340 هـ. ق) فرا گرفت. وی پس از چندی برای طیّ مدارج بالاتر رهسپار اصفهان شد و پای درس علمایی چون: آخوند ملا محمد کاشانی، آقا سید مهدی درّچه‌ای، مرحوم جهانگیر خان قشقائی و میرزا احمد نشست و با اندوخته‌ای وافر از فلسفه، حکمت، ریاضی، فقه و اصول به زادگاه خود بازگشت و برای بار دوم در جلسات درس و بحث ملا حبیب الله شریف شرکت نمود. معظم له در سال 1341 هـ. ق برابر با 1301 هـ. ش عازم نجف اشرف گردید و چهارده سال در آن دیار از محضر:

میرزا محمدحسین نائینی، سید ابولحسن موسوی اصفهانی، شیخ ضیاء الدّین عراقی و شیخ اسد الله زنجانی بهره‌ها برد و موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردید و همچنین نجوم را از شمس تبریزی از علمای مقیم نجف آموخت. آیت الله غروی یکی دو سال آخر اقامت خود در نجف دچار بیماری ریوی شد و با شدّت آن، توان ماندن خود را در آن دیار از دست داد، به ناچار با تجویز پزشک معالج برای تغییر آب و هوا، با وجود آن که استادانش به وی تکلیف ماندن در حوزه علمیه نجف نموده بودند در خرداد 1314 این شهر را به قصد کاشان ترک کرد. مشاّرالیّه چند سالی در کاشان بود و سپس به مشهد مقدّس روی آورد و مدّت دو سال آنجا بود و بعد از آن به کاشان مراجعت کرد و به ارشاد خلق و رفع مشکلات آنان و تعلیم و تدریس اشتغال می‌ورزید تا این که در سال 1329 هـ. ش به تهران رفت و در آنجا سکونت اختیار کرد. آیت الله غروی خانه‌ای محقر در جنوب تهران داشت که این منزل پایگاهی سیاسی، دینی، علمی و ادبی برای روحانیان، استادان، دانشجویان، شاعران و بازاریان و دیگر طبقات جامعه محسوب می‌شد. معظم له گذشته از آن که در فقه و اصول و کلام و دیگر علوم شرعی کم نظیر بود، حکمت و ریاضی و ادبیّات تازی و فارسی را نیکو می‌دانست و به راز و رمز آن وقوفی کامل داشت. خطّش زیبا و در نگارش قلمش شیوا بود و در ترسّل به شیوة قائم مقام می‌نوشت. محفوظاتش بسیار بود به گونه‌ای که سوره‌ها و آیات بسیاری از قرآن مجید و خطبه‌های نهج البلاغه را در لوح خاطر داشت و اشعار فراوانی از شعرای عرب و عجم از متقدّم تا متأخّر می‌دانست و به تناسب در سخنرانی و کلام از آنها بهره می‌جست، سخنش شیرین و محفلش گرم بود. در عین فقاہت ذوقی عارفانه و طبعی شاعرانه داشت و در خور مقال گاهی بیتی می‌سرود و مثنوی مولانا را حفظ و به دقائق عرفانی آن آگاه بود و با شعر سعدی و حافظ انسی تمام داشت. آیت الله غروی مردی وارسته و عالمی پرهیزگار و روشنفکر و بسیار فروتن بود زندگی ساده‌ای داشت و امرار معاشش از راه اندک اجاره‌ای بود که از بازمانده املاک پدریش در کاشان حاصل می‌شد. وی با وجودی که وجوه شرعی بسیاری در اختیار داشت، دیناری از آن به مصرف شخصی خود نمی‌رسانید و در پرداخت این وجوه شرعی هم دقت بسیاری داشت که گیرنده در خور استحقاق باشد چنانچه تشخیص می‌داد که گیرنده استحقاقی ندارد، در حدّ امکان از وجهی که از آن خود بود به وی می‌داد و یا از دیگران برای او یاری می‌خواست. او به قلم و درم مشکل‌گشای خلق بود و در این راه تا توان داشت از پای نمی‌نشست. وی فقیهی شجاع و عالمی پارسا و پیشوائی زنده دل بود که دین را از سیاست جدا نمی‌دانست. آیت الله غروی در نبرد بی‌امان با طاغوت شبانه روز تلاش کرد و جوانان پرشور را در جریان انقلاب اسلامی هدایت نمود. وی در دوران اختناق به طور علنی به تجلیل از مقام شهدای انقلاب اسلامی پرداخته و هنگام جنگ شش روزه نیز اجتماع و تظاهرات عظیمی بر ضد قوای اشغالگر صهیونیستی برپا کرده بود. آیت الله غروی در پنجم آذر 1357 برابر با

25 ذیحجه الحرام 1398 در سن 82 سالگی در بیمارستان جم تهران درگذشت، جامعه روحانیت تهران با وجود حکومت نظامی مراسم تشییع جنازه ایشان را صبح روز سه شنبه 7 آذر ماه اعلام کرد. در این مراسم مأموران برای متفرّق کردن جمعیت تیراندازی نمودند و در نتیجه سه نفر شهید و چند تن مجروح شدند؛ در عصر همان روز پیکر آن عالم مبارز به کاشان انتقال یافت و پس از تشییع بی سابقه‌ای در این شهر - با وجود مخالفت و عدم رضایت مأموران حکومتی - در مقبره خانوادگی پدرش مقابل بقعه ملا محسن فیض به خاک سپرده شد.

* 20 اکتبر درگذر تاریخ

* تولد «گوترید آخن وال» ریاضی‌دان آلمانی و واضع

علم آمار (1719م)

* کشته شدن مُعَمَّر قُدّافی، دیکتاتور سابق لیبی
(2011م)

* درگذشت پدر پیوند
مغز استخوان (2012 م)